



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی غسل الجنابة

موضوع جزئی: موجبات جنابت - خروج منی

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

تاریخ: ۱۷ آذر ۱۳۹۹

مصادف با: ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۴۲

جلسه: ۴۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

عرض شد که یکی از موجبات غسل جنابت، خروج منی است. در ادامه عرض شد که حکم استصحاب عدم خروج منی در فرضی که شخص در منی بودن مایع خارج شده، شک داشته باشد، به فرضی مربوط است که شک او بین منی و وادی باشد، ولی اگر امر بین منی و بول دایر باشد، استصحاب بقاء طهارت جاری نمی شود چون علم اجمالی به نقض طهارت وجود دارد زیرا طهارت یا با حدث اکبر [که منی است] نقض شده است و یا طهارت، با حدث اصغر [که بول است] نقض شده است بنابراین، در فرضی که امر بین منی و بول دایر است، نمی توان استصحاب بقاء طهارت را جاری کرد و در این صورت که علم اجمالی به نقض طهارت است، مسأله بر این مبتنی می شود که آیا امتثال اجمالی و احتیاط در مرتبه متأخر از امتثال تفصیلی است که اگر کسی تمکن از امتثال تفصیلی داشته باشد جایی برای احتیاط نیست یا اینکه امتثال اجمالی و احتیاط در رتبه امتثال تفصیلی است، یعنی در عین حالی که شخص، متمکن از امتثال تفصیلی است، می تواند احتیاط کند و امتثال اجمالی را به جای آورد. عرض شد که وظیفه مکلف این است که در فرض اول [که رتبه امتثال اجمالی و احتیاط، متأخر از امتثال تفصیلی است]، اختبار کند، یعنی صفات مایع مشکوکی که از او خارج شده است را بررسی کند تا برای او مشخص شود که مایع خارج شده، بول است یا منی است که اگر واجد صفات منی باشد به منی بودن آن و وجوب غسل حکم می شود و اگر واجد صفات منی نباشد حکم منی را ندارد لذا غسل واجب نیست، ولی در فرض دوم [که احتیاط و امتثال اجمالی در رتبه امتثال تفصیلی است]، اختبار و فحص لازم نیست و شخص می تواند احتیاط کند.

در صورتی که در فرض شک بین منی و غیر منی بودن مایع خارج شده، بر اختبار و فحص بنا گذاشته شود، لازم است که شخص از صفات منی [، یعنی دفع، فتور و شهوت] فحص کند. علت اینکه شارع صفات مذکور را در اختبار، معتبر دانسته است این است که این صفات، صفات غالبی اند که از منی منفک نمی شوند، یعنی اگر منی مورد بررسی قرار گیرد این ویژگی ها را دارد و این صفات به منزله اماراتی می باشند که بر منی بودن آنچه خارج شده است، دلالت می کنند، البته این گونه نیست که راه تشخیص به این صفات منحصر باشد، بلکه همان گونه که عده ای از فقها گفته اند، اگر کسی از طریق دیگری، مثل رنگ و بوی آن مایع خارج شده به منی بودن آن علم پیدا کند، حکم منی بر آن بار می شود و همچنین، اگر علم به منی بودن آن مایع مشکوک از طریق جمع شدن دو صفت از صفات مذکور (دفع، فتور و شهوت) حاصل شود، حکم منی بر آن بار می شود.

نظر مرحوم سید (ره) این بود که مایع مشکوک حتماً باید سه صفت مذکور را با هم داشته باشد تا حکم منی بر آن بار شود، لکن عرض می شود که این کلام در صورتی صحیح است که راه اثبات منی بودن، منحصر در جمع سه صفت مذکور با هم باشد، ولی

اگر مایع مشکوکی که خارج شده است دو صفت از سه صفت مذکور را داشته باشد و همین مقدار زمینه برای علم به منی بودن را فراهم آورد، به منی بودن آن مایع مشکوک حکم می‌شود.

خلاصه، اینکه ملاک و معیار، این است که انسان به منی بودن آنچه از او خارج شده است، علم پیدا کند و اگر علم پیدا نکند راهکار این است که از صفات غالبی منی که دفع، فتور و خروج با شهوت است، فحص کند که اگر مایع مذکور، این صفات را داشت به منی بودن آن حکم می‌شود و اگر این صفات را نداشت حکم منی بر آن بار نمی‌شود. جمع شدن سه صفت دفع، فتور و خروج با شهوت با هم، برای حکم به منی بودن مایع مشکوک کفایت می‌کند، ولی سایر صفات مثل رنگ و بو به تنهایی، نسبت به منی بودن مایع مشکوک، کفایت نمی‌کنند مگر اینکه از طریق رنگ و بو برای انسان علم به منی بودن مایع مشکوک حاصل شود. فحص و اختباری که عرض شد [که برای حکم به منی بودن مایع مشکوک باید هر سه صفت مذکور با هم جمع شوند] مربوط به مردی بود که سالم باشد، لکن گاهی بحث در رابطه با شخص مریض مطرح می‌شود و گاهی بحث در رابطه با زن مطرح می‌شود. به مقتضای روایت صحیحہ علی بن جعفر [عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَلْعَبُ مَعَ الْمَرْأَةِ وَيُقْبِلُهَا فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَنِيُّ فَمَا عَلَيْهِ؟ قَالَ: «إِذَا جَاءَتِ الشَّهْوَةُ وَدَفَعَ وَفَتَرَ لَخُرُوجِهِ فَعَلَيْهِ الْغُسْلُ وَإِنْ كَانَ إِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ لَمْ يَجِدْ لَهُ فِتْرَةً وَلَا شَهْوَةً فَلَا بَأْسَ»<sup>۱</sup>]. اگر اوصاف سه‌گانه [دفع، فتور و شهوت] در مایعی که از مرد سالم خارج شده، وجود داشته باشد، به جنابت حکم می‌شود و غسل واجب است، البته گفته شده است که فتور و شهوت با هم ملازم‌اند، یعنی شهوت که می‌آید، فتور و سستی نیز با آن می‌آید و فتور که بیاید شهوت نیز با آن می‌آید، کما اینکه از ذیل روایت علی بن جعفر [«وَإِنْ كَانَ إِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ لَمْ يَجِدْ لَهُ فِتْرَةً وَلَا شَهْوَةً فَلَا بَأْسَ»]، همین مطلب استفاده می‌شود با اینکه از منتفی بودن یکی از اوصاف سه‌گانه مذکور، عدم وجوب غسل لازم می‌آید چون وجوب غسل بر وجود اوصاف سه‌گانه مذکور، مترتب است، پس وقتی یکی از اوصاف محقق نشود، حکم منتفی است، لکن در روایت علی بن جعفر برای حکم به عدم وجوب غسل، فتور و شهوت با هم نفی شده‌اند و نفی این دو صفت با هم، کاشف از تلازم این دو صفت است، بنابراین ملاک برای حکم به جنابت در رابطه با مرد سالم این است که منی همراه با دفع و شهوت از مرد خارج شود چون شهوت و سستی بدن ملازم یکدیگرند بنابراین، شهوت و فتور یک صفت شمرده می‌شوند لذا اگر دفع با شهوت یا فتور همراه باشد برای حکم به جنابت و وجوب غسل کفایت می‌کند و دلیل این امر روایت صحیحہ ابن ابی یعفور است؛

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يَرَى فِي الْمَنَامِ وَيَجِدُ الشَّهْوَةَ فَيَسْتَيْقِظُ فَيَنْظُرُ فَلَا يَجِدُ شَيْئاً ثُمَّ يَمْكُثُ الْهُوَيْنَ بَعْدَ فَيَخْرُجُ، قَالَ: «إِنْ كَانَ مَرِيضاً فَلْيَغْتَسِلْ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ مَرِيضاً فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ» قُلْتُ: فَمَا فَرْقُ بَيْنَهُمَا؟ قَالَ: «لِأَنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَانَ صَحِيحاً جَاءَ الْمَاءُ بِدَقَّةٍ قَوِيَّةٍ وَإِنْ كَانَ مَرِيضاً لَمْ يَجِئْ إِلَّا بَعْدُ»<sup>۲</sup>.

در روایت کلینی نیز این‌گونه آمده است: عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ؛ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): الرَّجُلُ يَرَى فِي الْمَنَامِ وَيَجِدُ الشَّهْوَةَ فَيَسْتَيْقِظُ وَيَنْظُرُ فَلَا يَجِدُ شَيْئاً ثُمَّ يَمْكُثُ بَعْدَ فَيَخْرُجُ... فَقَالَ: «لِأَنَّ الرَّجُلَ إِذَا كَانَ صَحِيحاً جَاءَ بِدَقَّةٍ وَقُوَّةٍ وَإِذَا كَانَ مَرِيضاً لَمْ يَجِئْ إِلَّا بَعْدُ»<sup>۳</sup>.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ۸، ص ۱۹۴، ح ۱.

۲. همان، ص ۱۹۵، ح ۳.

۳. کلینی، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، کتاب الطهارة، باب احتلام الرجل و المرأة، ص ۴۸، ح ۴.

این نکته نیز از این دو روایت استفاده می‌شود که دفع و خروج فورانی مخصوص افراد سالم است لذا اگر در مریض دفع نباشد، یعنی منی با حالت فشار و فورانی خارج نشد، باز هم حکم جنابت صدق می‌کند.

پس نشانه منی بودن آبی که از مرد سالم خارج می‌شود، دفع و شهوت است و چون شهوت و فتور ملازم یکدیگرند لذا شهوت به تنهایی در کنار دفع، برای حکم جنابت کفایت می‌کند زیرا همیشه این گونه است که شهوت همراه با فتور و سست شدن بدن است. مرحوم سید در ادامه نوشته است: «و فی المرأة و المریض یکفی اجتماع صفتین و هما الشهوة و الفتور»<sup>۱</sup>.

به نظر مرحوم سید (ره)، در رابطه با زن و مریض اجتماع دو صفت شهوت و فتور [در حکم به منی بودن مایع مشکوک] کفایت می‌کند و دفع لازم نیست، یعنی لازم نیست که با فشار خارج شود.

اما در رابطه با زن عرض می‌شود که صفت دفع در خروج منی از زن معتبر نیست و روایتی در این رابطه وارد نشده است و روایاتی که وارد شده‌اند فقط بر این دلالت دارند که آنچه از فرج زن خارج می‌شود اگر از روی شهوت خارج شود، موجب وجوب غسل می‌گردد، مثلاً در روایت صحیحہ اسماعیل بن سعد اشعری این گونه آمده است؛

عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَعْدٍ الْأَشْعَرِيِّ؛ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا (ع) عَنِ الرَّجُلِ يَلْمِسُ فَرْجَ جَارِيَتِهِ حَتَّى تُنْزِلَ الْمَاءَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُبَاشِرَ يَعْثُ بِهَا بِيَدِهِ حَتَّى تُنْزِلَ، قَالَ: «إِذَا أَنْزَلْتَ مِنْ شَهْوَةٍ فَعَلَيْهَا الْغُسْلُ»<sup>۲</sup>.

این روایت بر این دلالت دارد که صرف وجود شهوت در خروج آب از فرج زن، برای حکم به جنابت و به تبع آن غسل جنابت، کفایت می‌کند و دفع در آن، معتبر نیست.

در رابطه با مرد مریض نیز دفع در هنگام خروج منی معتبر نیست، کما اینکه روایت صحیحہ ابن ابی یعفور که به آن اشاره شد نیز بر همین مطلب دلالت دارد.

الثانی: «الجماع و إن لم ينزل و لو بإدخال الحشفة أو مقدارها من مقطوعها في القبل أو الدبر...»<sup>۳</sup>.

#### مورد دوم، جماع

مرحوم سید (ره) فرموده است که دومین موردی که موجب وجوب غسل جنابت می‌شود، جماع است، هرچند که انزالی صورت نگیرد ولو حشفه یا مقداری از آلت که قطع شده است و به اندازه حشفه باشد در قبل یا دبر داخل شود. وجوب جنابت به واسطه جماع از چیزهایی است که بین مسلمین شک و شبهه‌ای در آن نیست.

مرحوم سید (ره) فروع متعددی را در رابطه با جماع مطرح کرده است؛

**اول،** جماعی که از آن به التقاء الختائین تعبیر شده است، یعنی ذکر با فرج زن تلاقی پیدا کنند یا ذکر در فرج زن داخل شود که این جماع، بنفسه موجب غسل می‌شود، هرچند انزالی صورت نگیرد ولو حشفه یا مقداری از آلت که قطع شده است و به اندازه حشفه است در قبل یا دبر داخل شود.

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۷۸.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ۷، ص ۱۸۶، ح ۲.

۳. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۷۸ و ۲۷۹.

مرحوم صاحب جواهر (ره) بر این مطلب ادعای اجماع محصل و منقول کرده است و حتی فرموده است که این مطلب از حد استفاضه گذشته است و متواتر است. به علاوه روایات زیادی نیز در این زمینه وارد شده‌اند که ان شاء الله، در جلسه آینده بیان خواهند شد.

«الحمد لله رب العالمین»